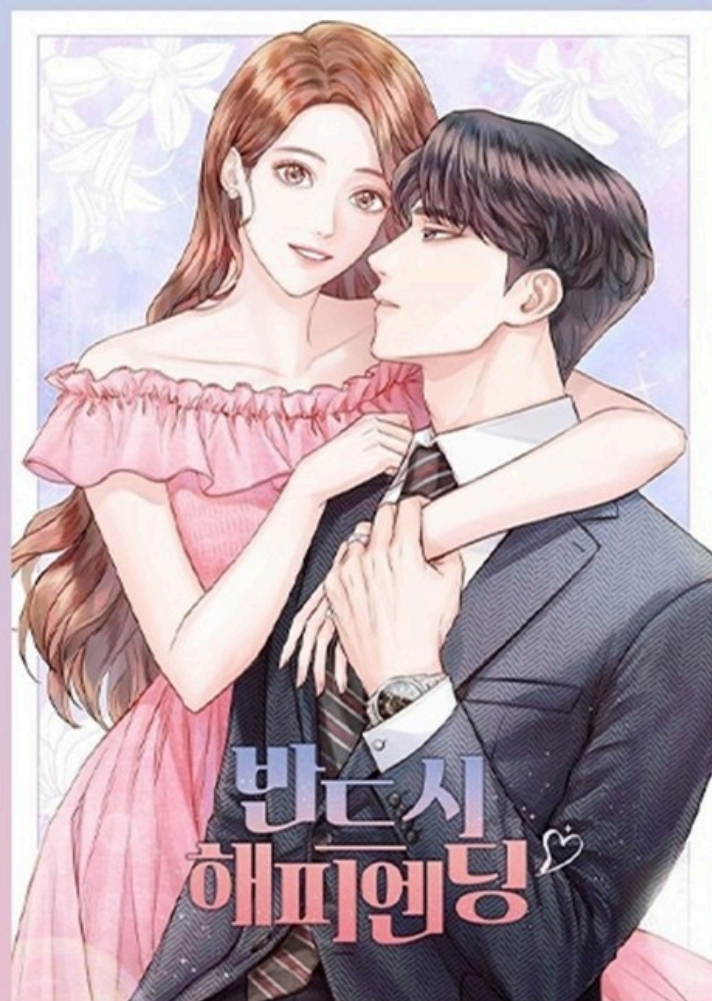




IRISEKAI



T.me/IrisSekai

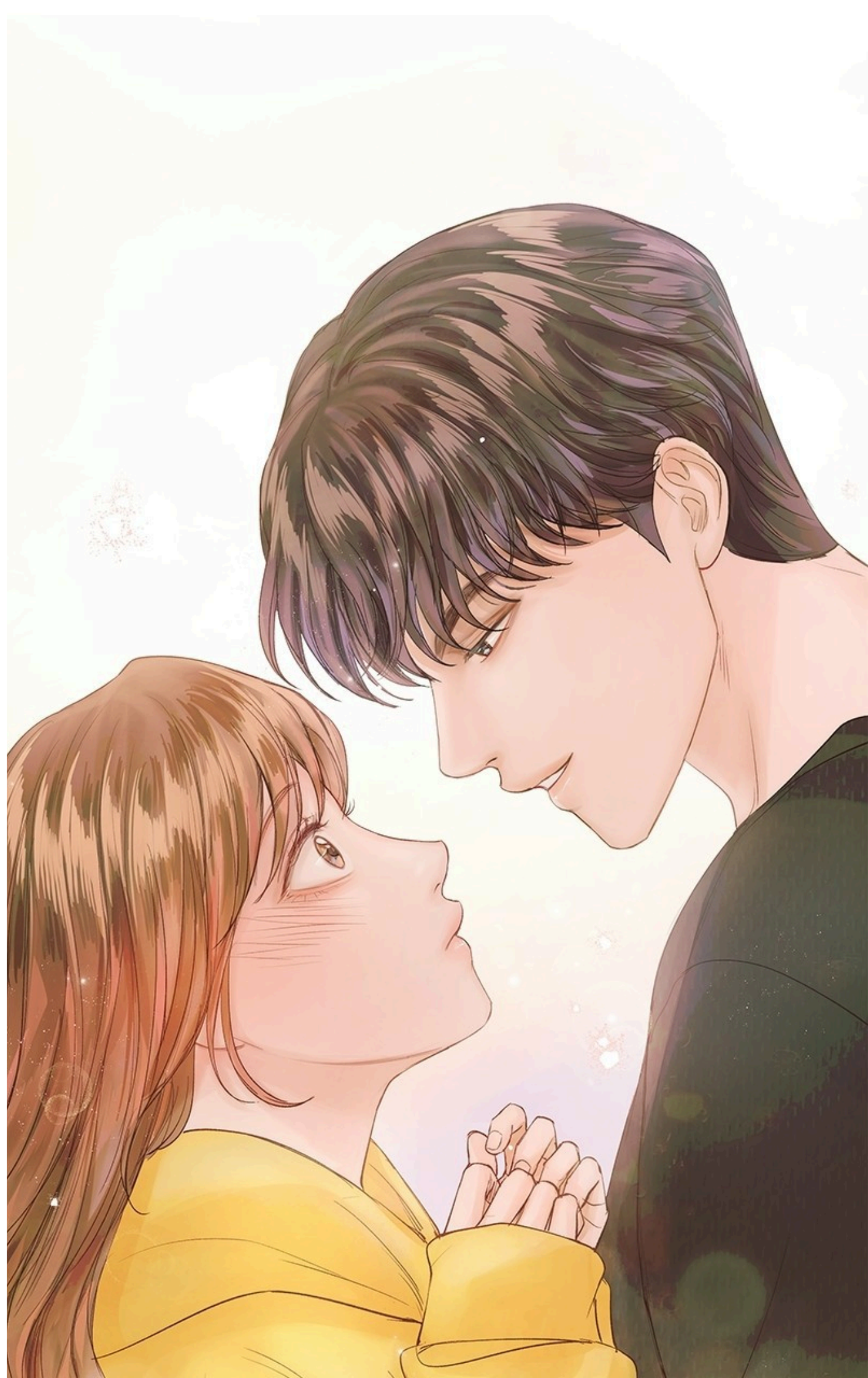


instagram.com/IrisSekai

Evermore مترجم:

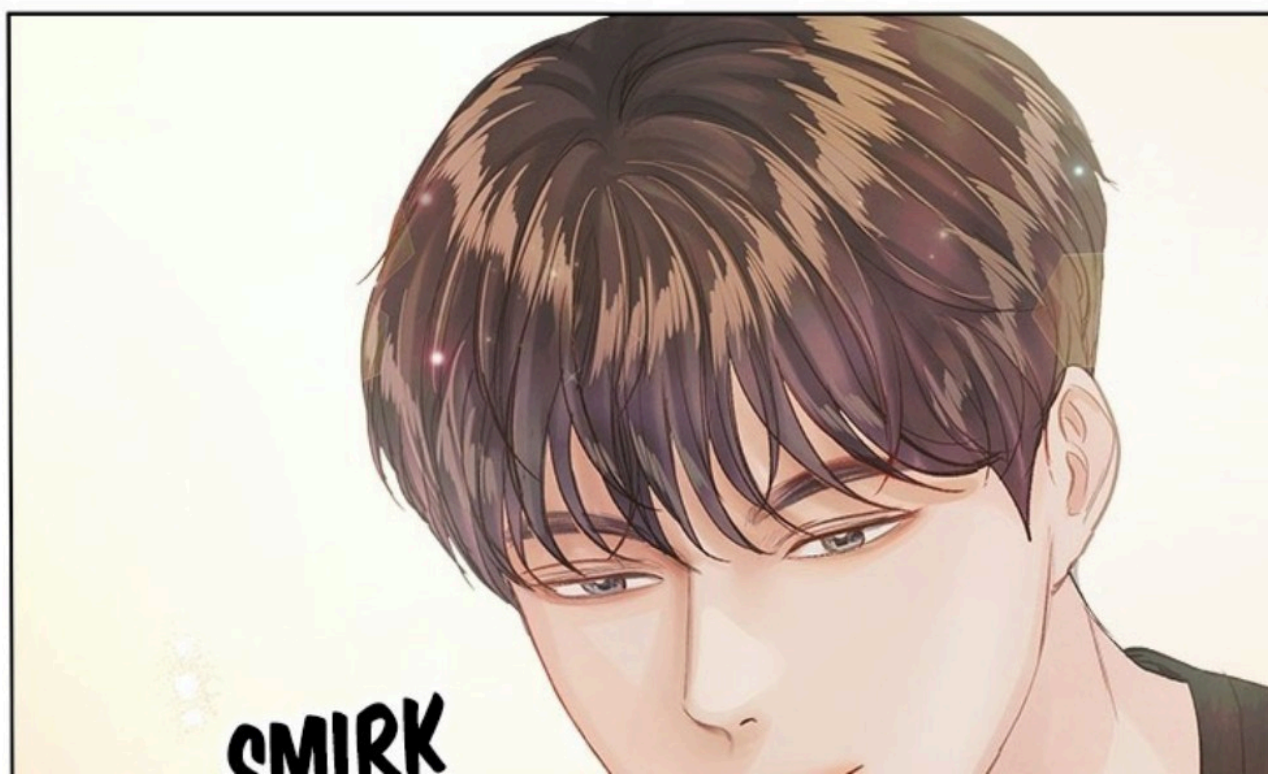
Mozhgan کاپتر:

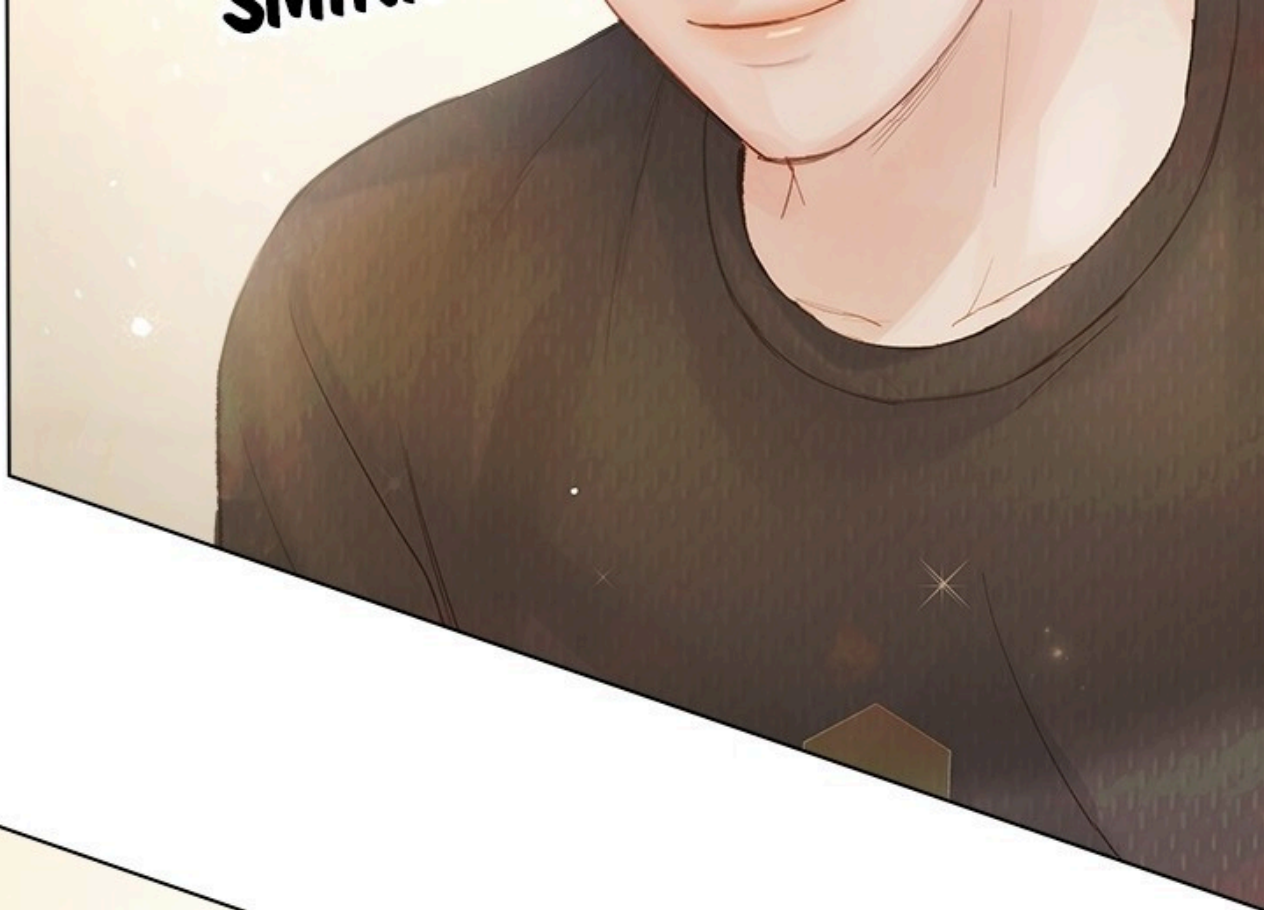
ly تایپیست:

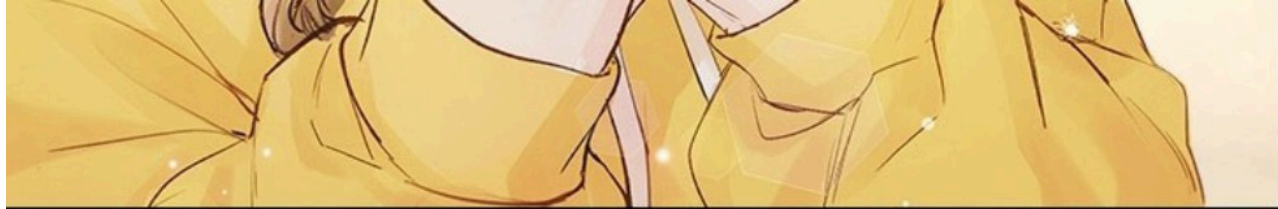




تو می خواهی من چکار
کنم؟



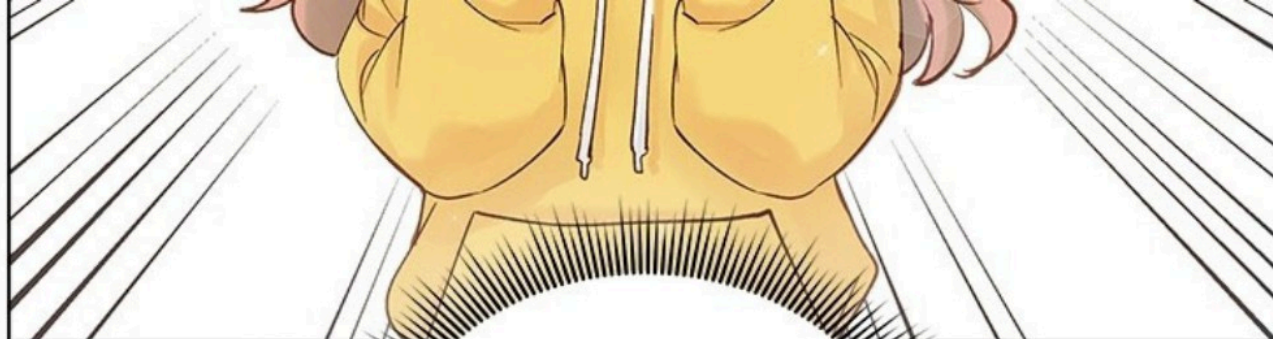




من باید جلوش رو بگیرم

GASP





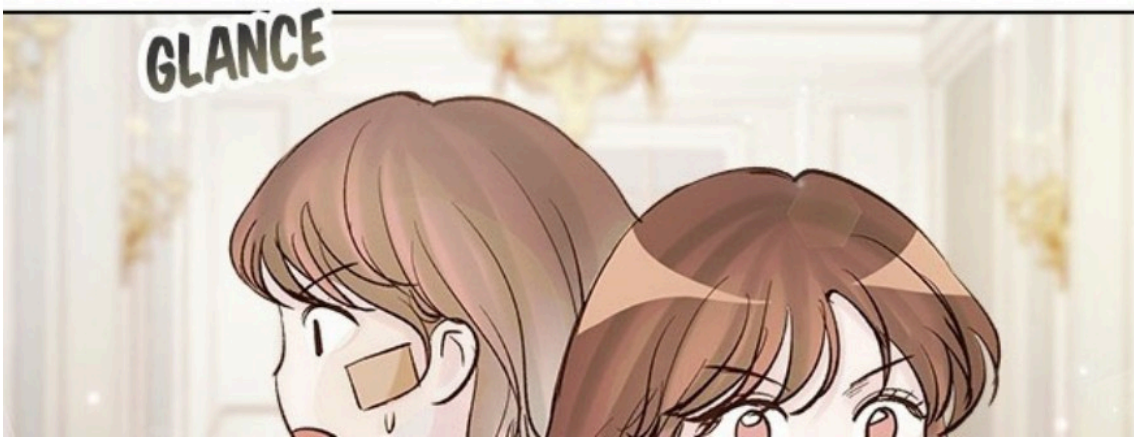
من نمی‌خواهم اون هیچ
کاری بکنه.

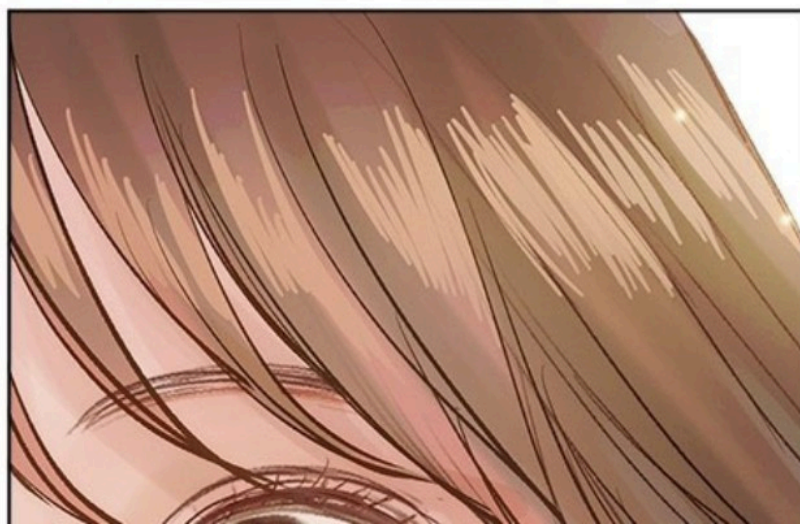
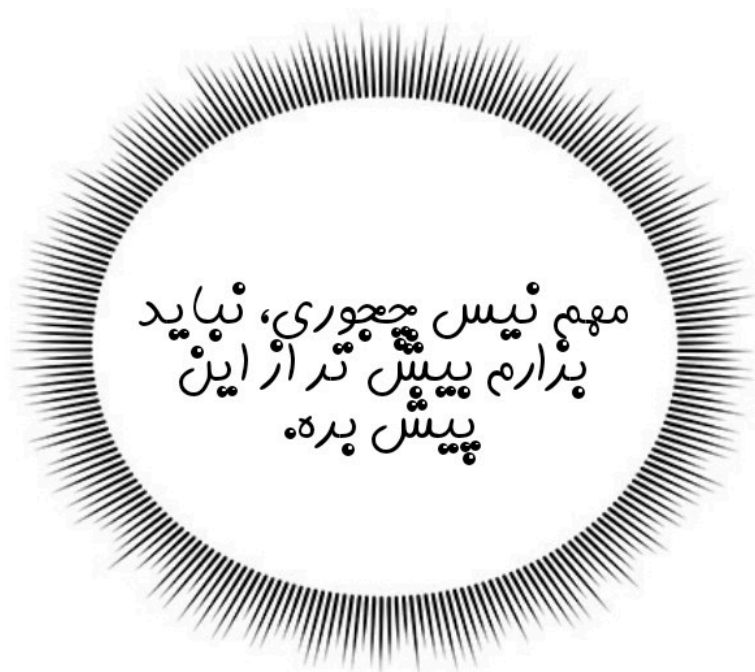
اگه همین الان جلوش رو
نگیرم، او تا جاهای
پیشتری پیش میره...

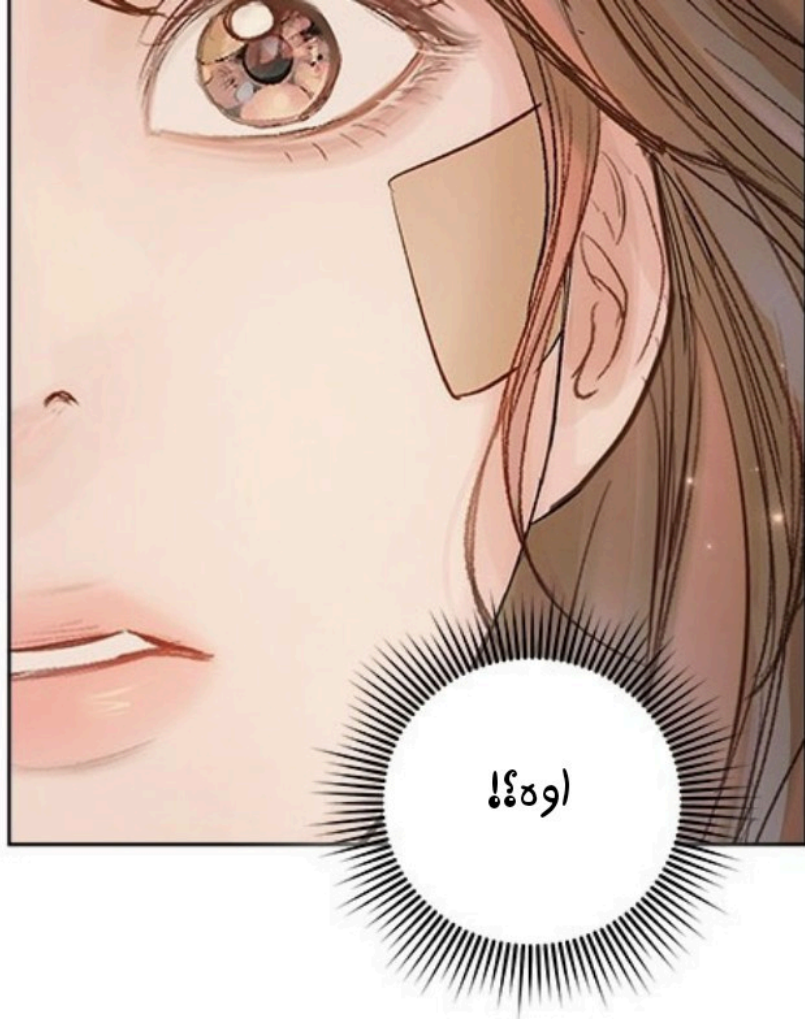




و فردا صبح نمی تونم تو
چشم هیچ کس نگاه کنم.

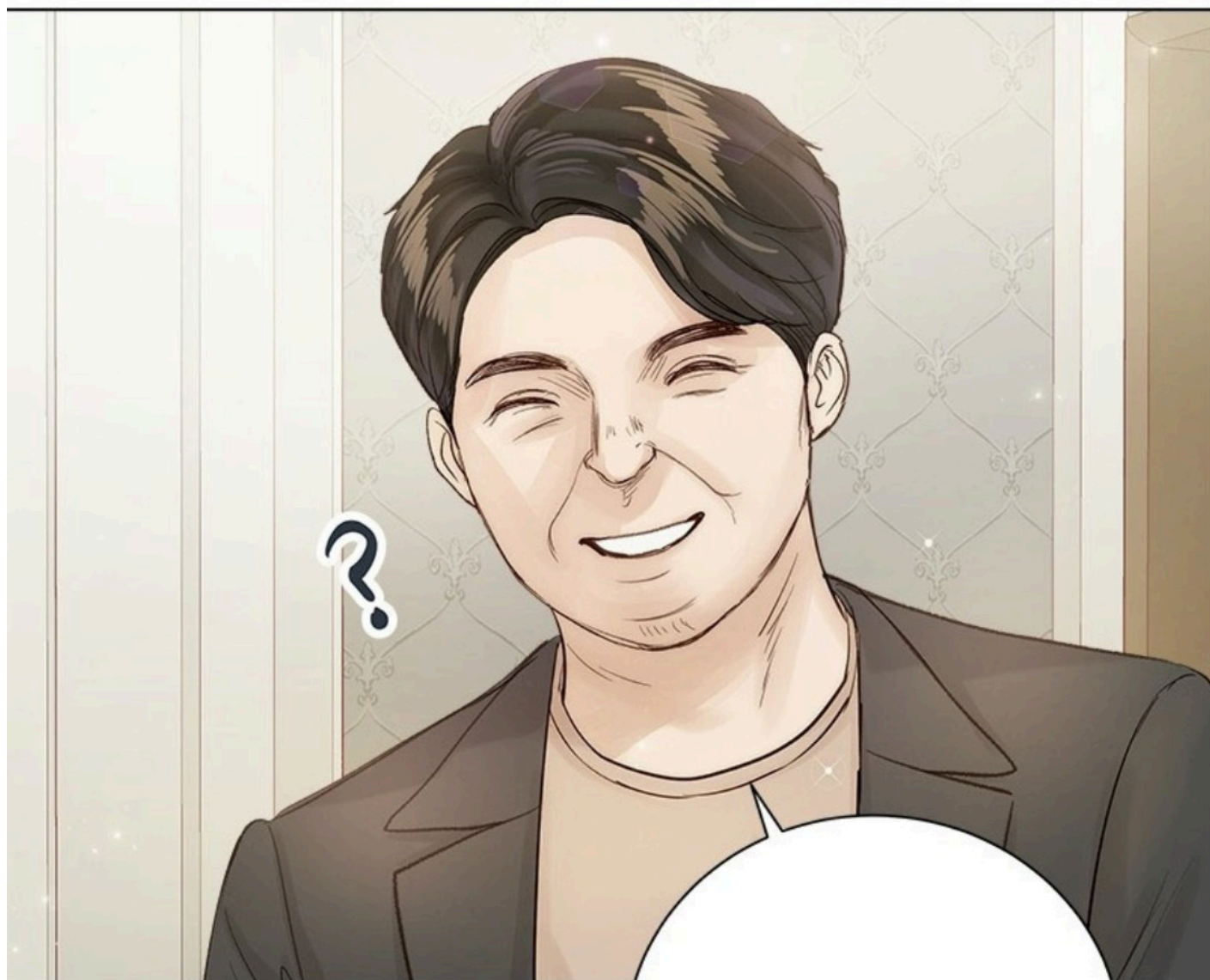








عمو جون!!



اوه. سلام، يون وو.

سلام



داری چکار می کنی...؟

سون جه خیلی از شما
حرف میزنه.



من شنیدم که شما از
نوشیدن لذت می برید.

GASP

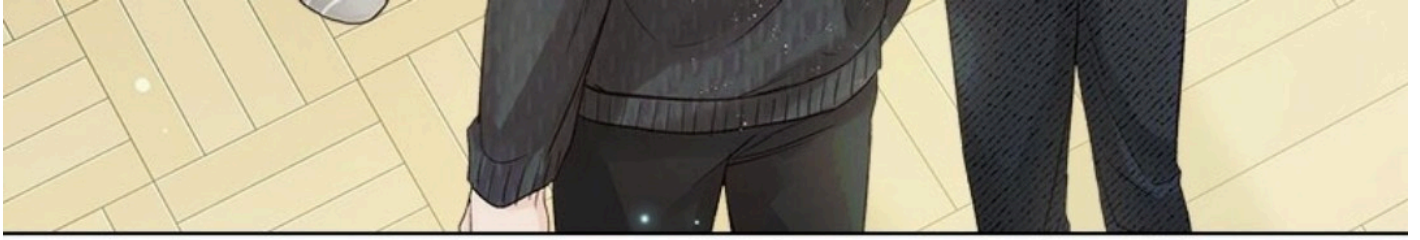


راه ندارة...

سون جه در مورد من
حرف زده؟

اون بهم گفت که عاشق
اینه که با شما بنوشه.





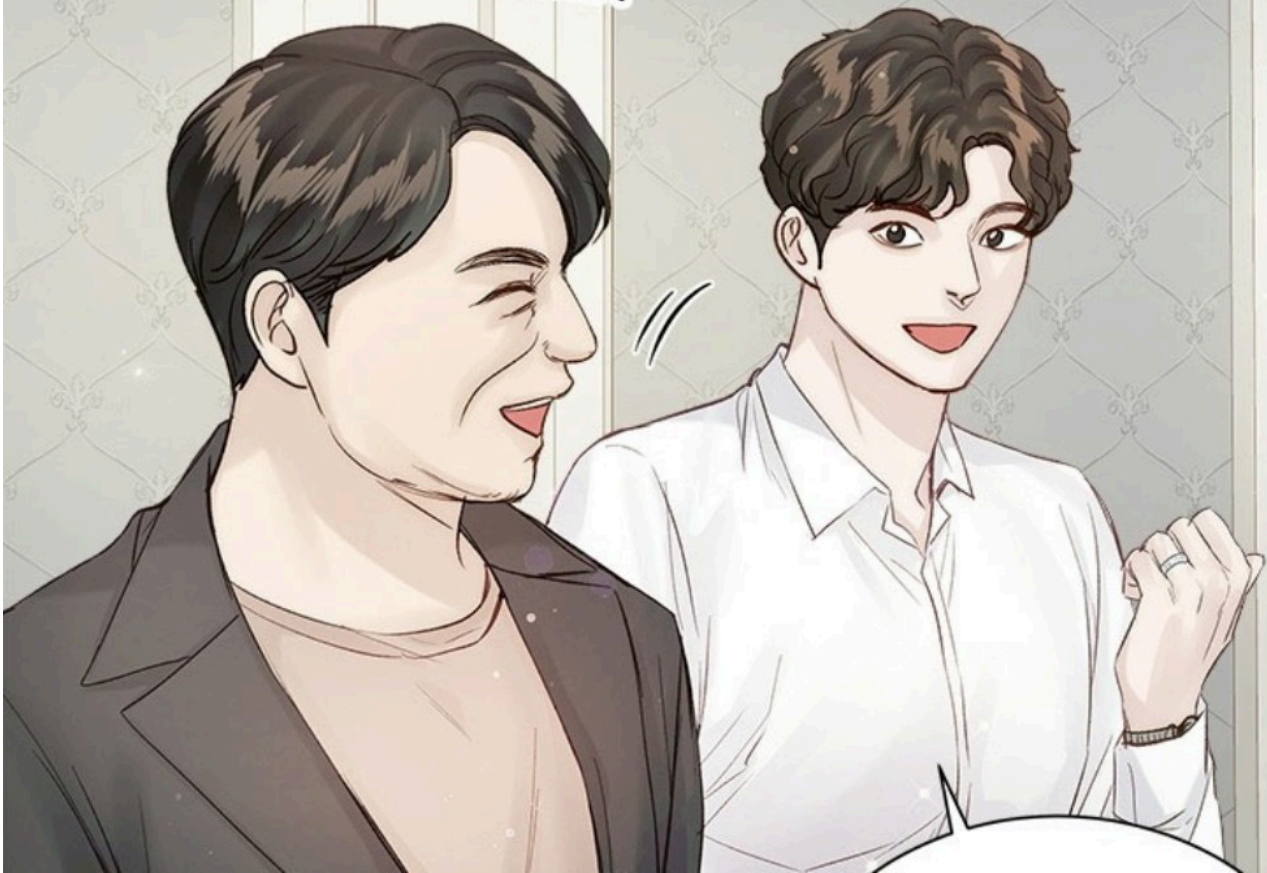
من کی همچین زری
زدم....؟





اوہ، واقعا؟

HAHA



می دونستم. پدر، سون
چه واقعا می تونه بنوشه

خوبه، سون چه ما باید
امشب تجدید دیداری که
خیل منتظرش بودیم رو با
نوشیدن جشن بگیریم.

AH...





منم شراب های خوبی
آورددم.

عسلم، خوش بگذره.





تو چرا برای نوشیدن
بهمون ملحق نمی شی؟





اوه، نه. يون وو نمي تونه
بنوشه.

درسته، مي ترسم نتونم
تحمل كنم.

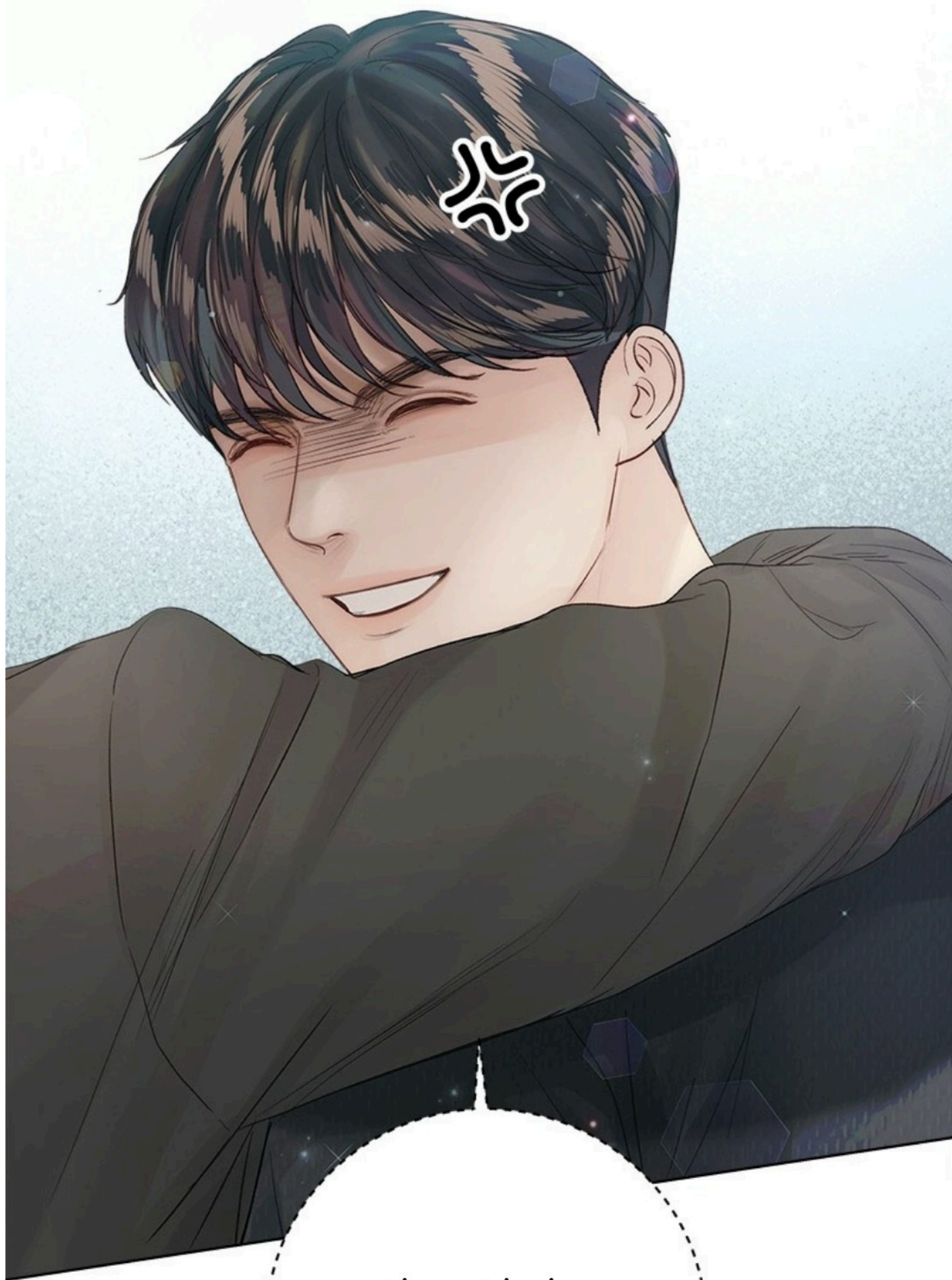


سون جه به جای من
مینوشه.

لی یون وو!!

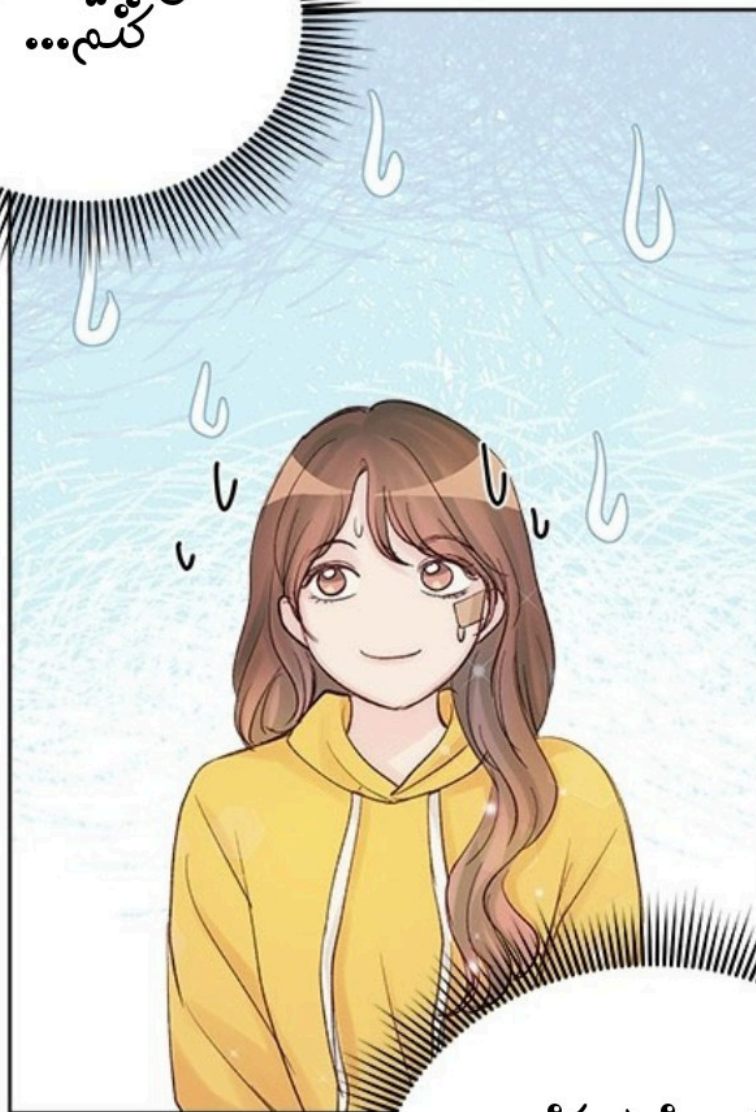
من فکرشم نمی کردم تو
دوست داری با من
بنوشی! هاها.





من بعدا برات جبران می
کنم.

من باید فرار
کنم...



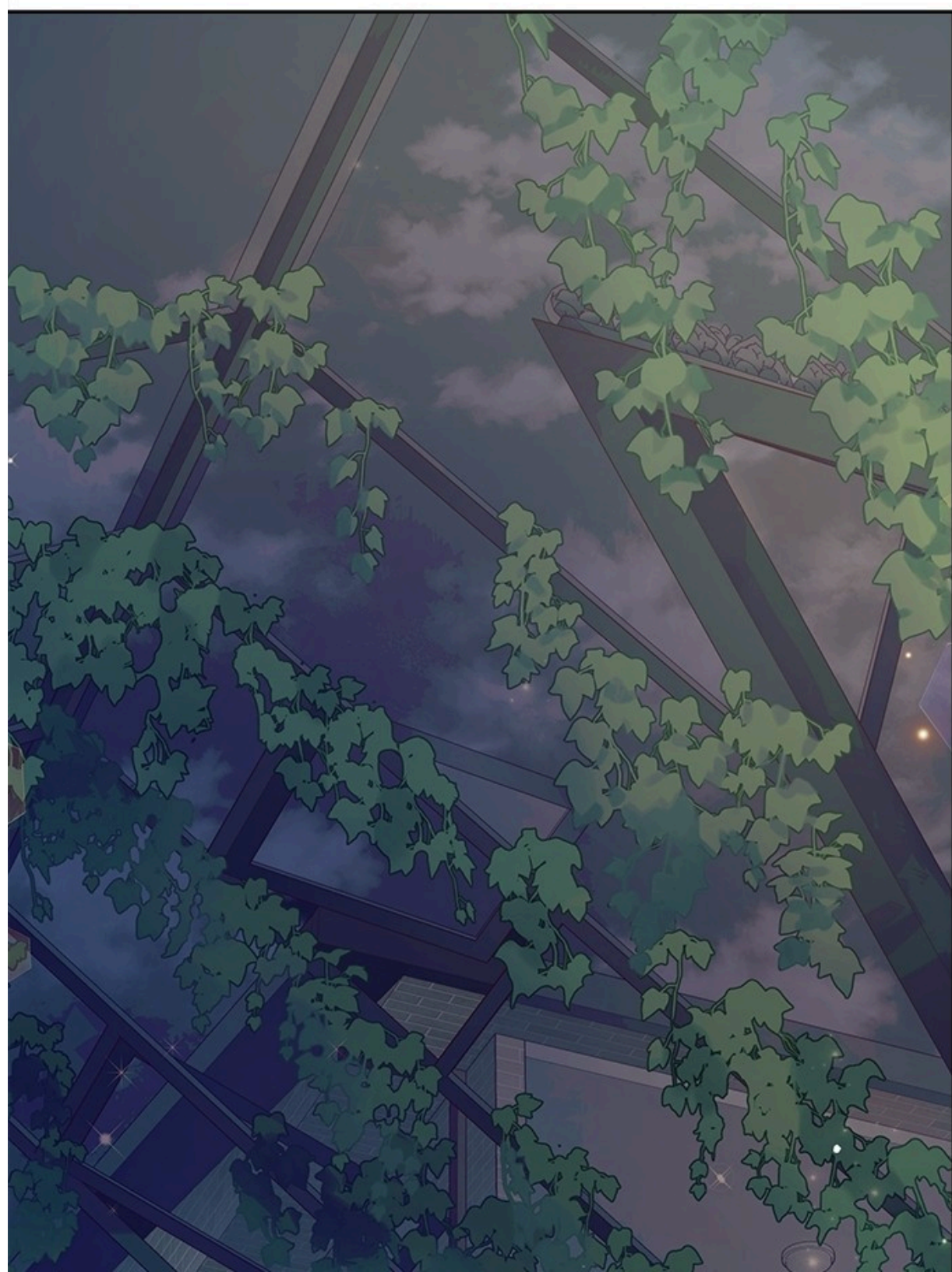
من باید فرار کنم و
قایم شوم تا نتونه پیدام
کنن.



THERE
MUST BE
HAPPY
E-CC

ENDINGS

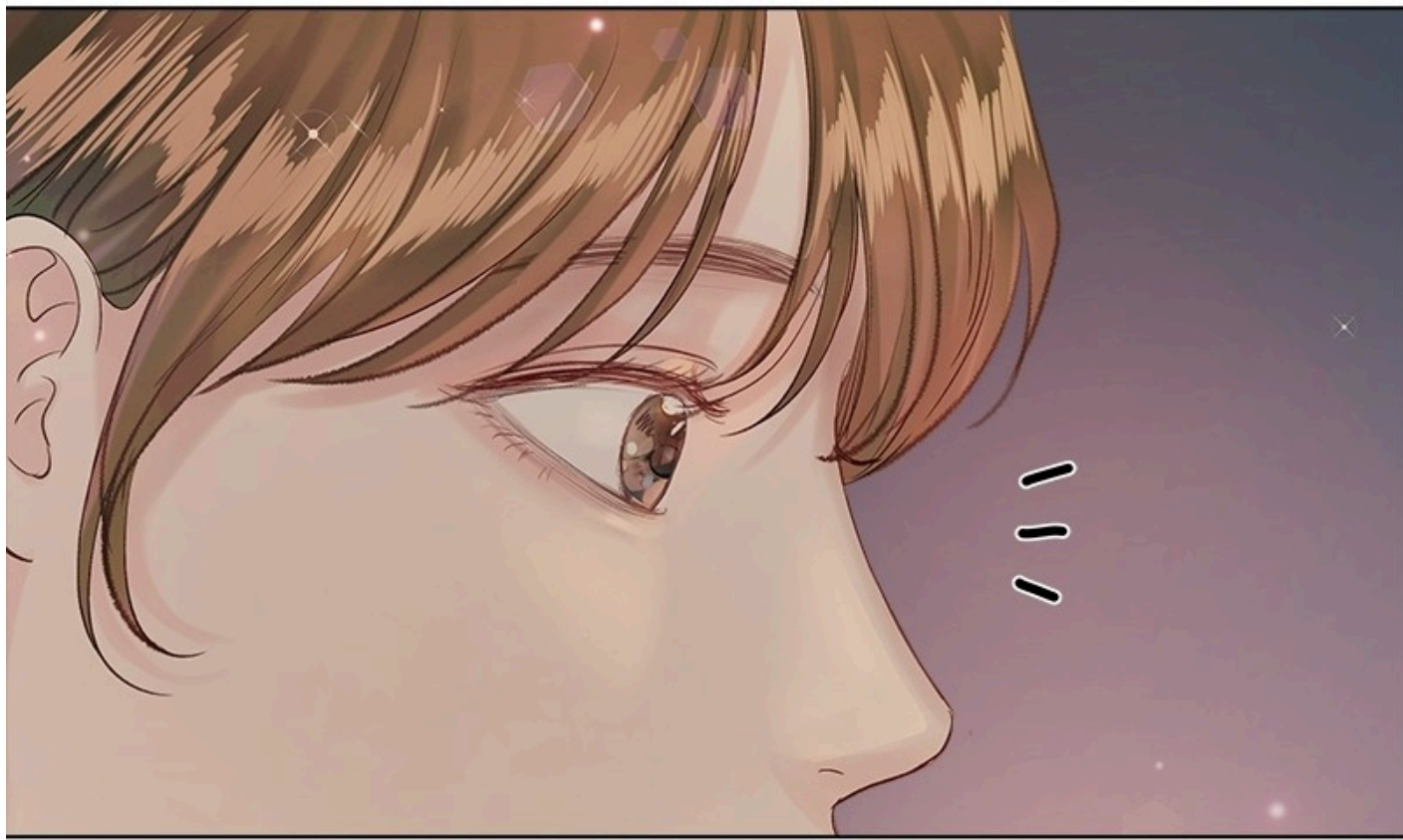






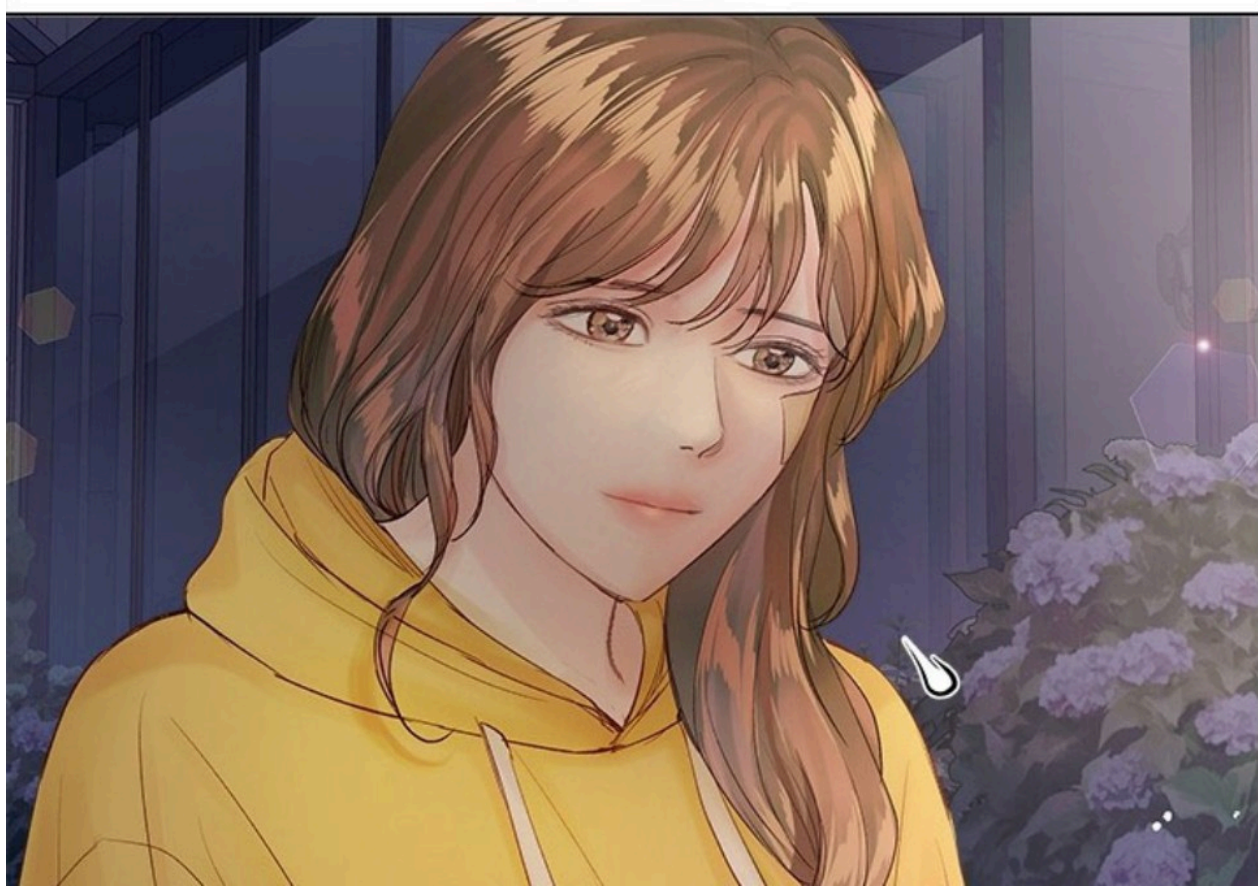
اون نمیتونه اینجا
پیدام کنه، درسته؟





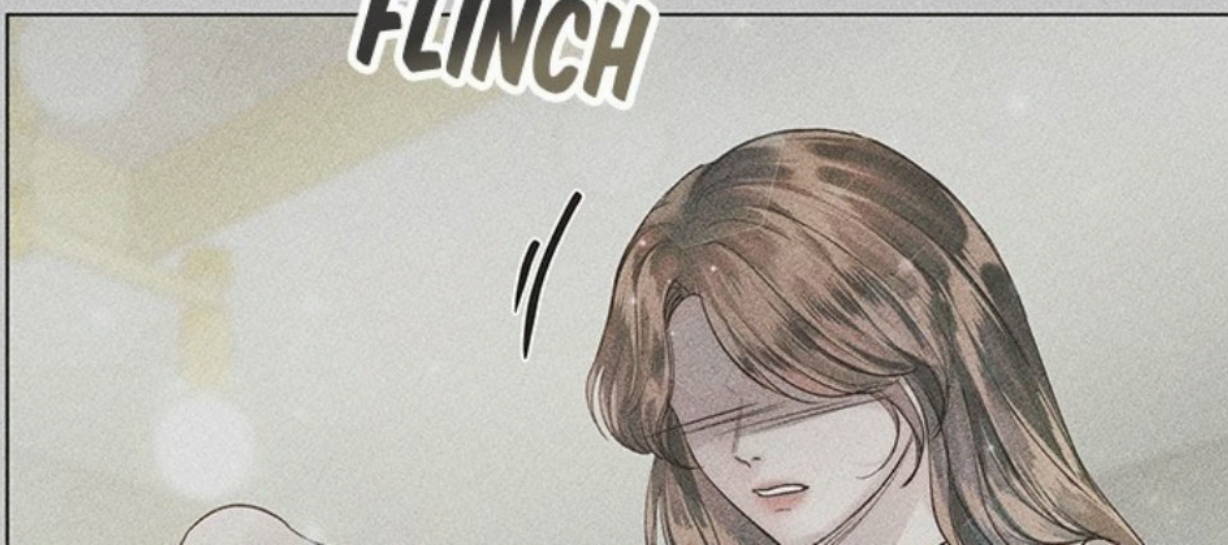


وای، چقدر خوشگله...





FLINCH





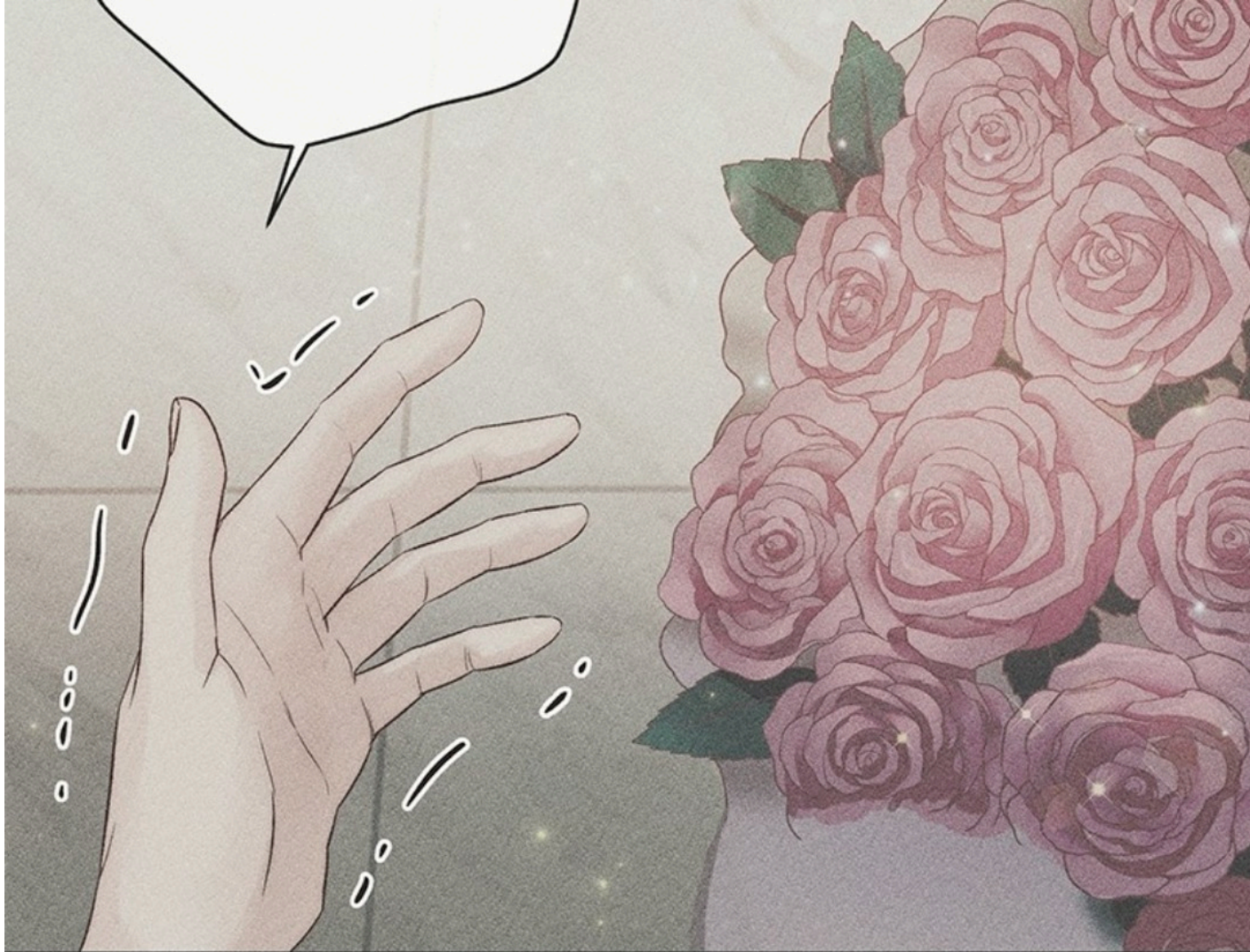
چرا اینارو آوردی؟





من از این گلا متنفرم.

مخصوصا، این رز های
صورتی...



شما ها خیلی قشنگ اید.
معذرت می خوام که
ازتون متنفر بودم.

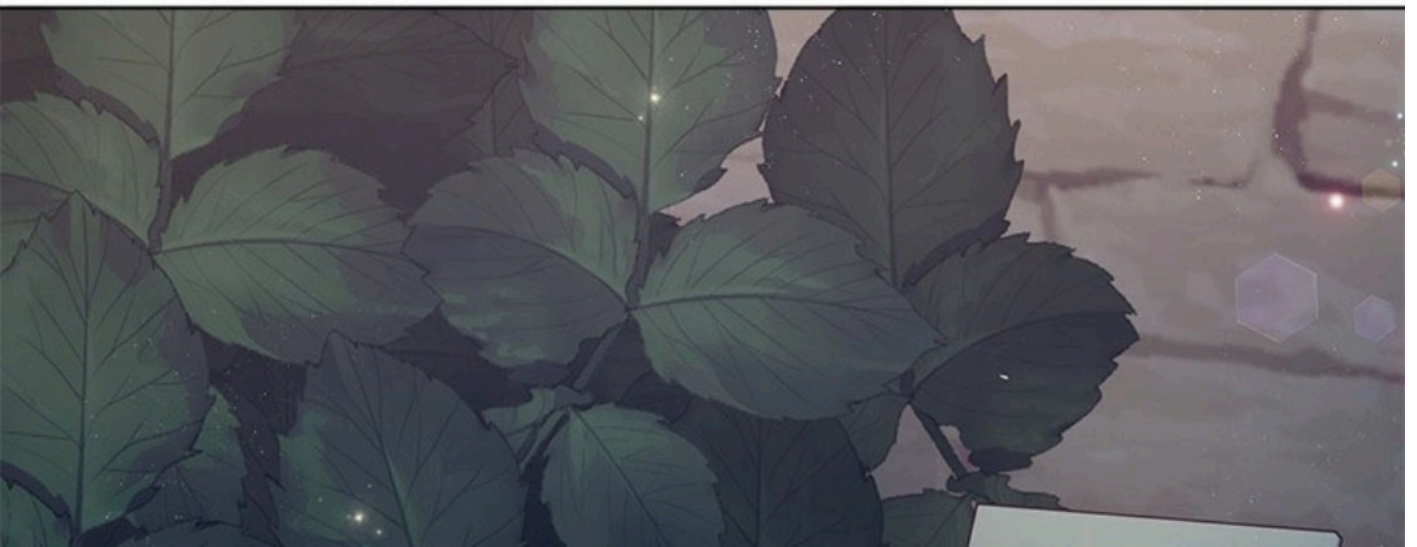


من به روزی دوباره
ازتون خوشم میاد.



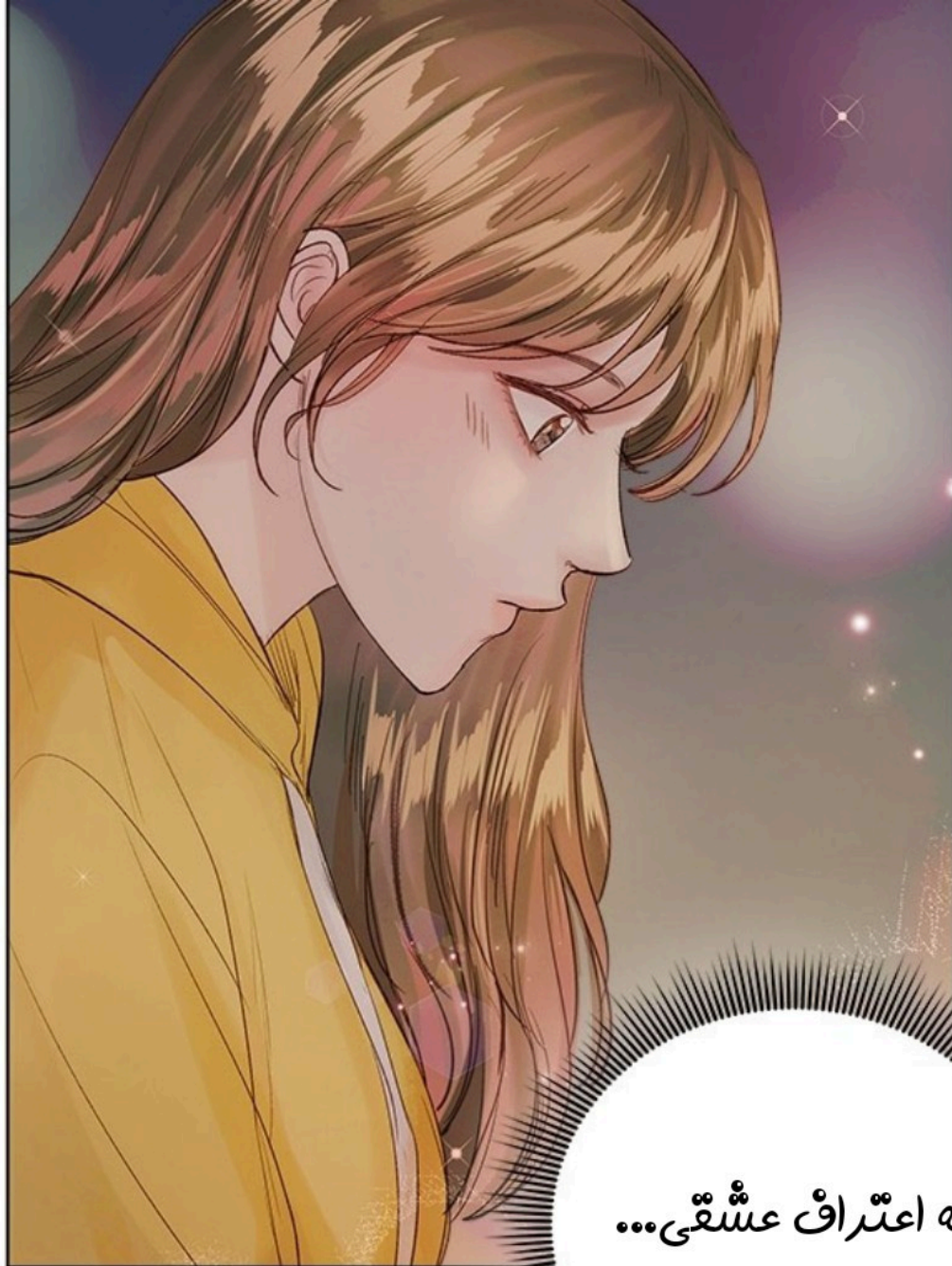


وقتی که فهمیدم چطوری
"آینده ی متفاوتم" رو
بسازم.





این اولین باریه که
فهمیدم رزهای صورتی
سمبل نشون دادن
عشق.



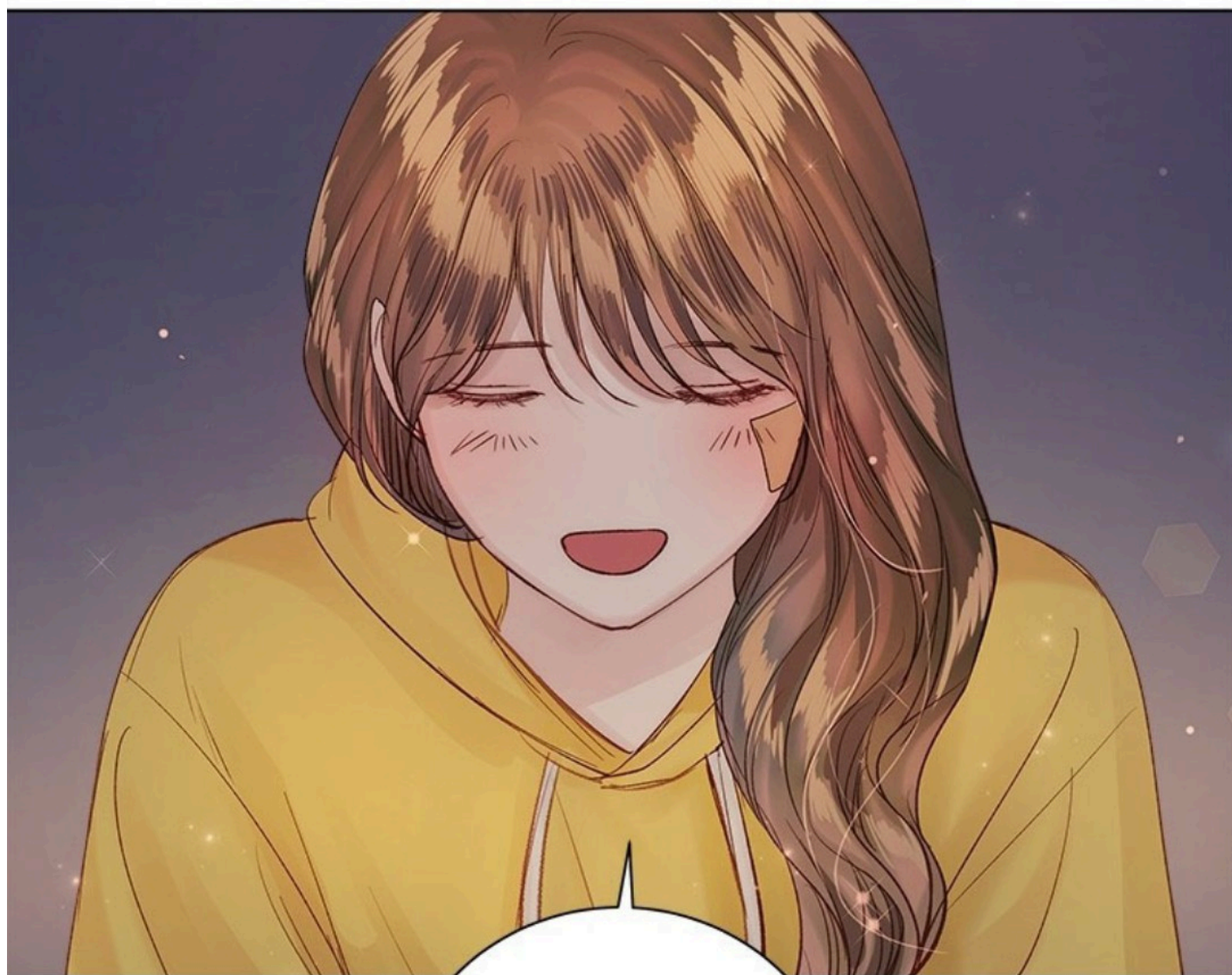
یه اعتراف عشقی...

من واقعا عاشقتم.



من همه ی اون حرف ها
رو تحقیر آمیز زدم... چه
خجالت آور....

FIDGET



من از فردا خوب باهاش
رفتار می کنم.

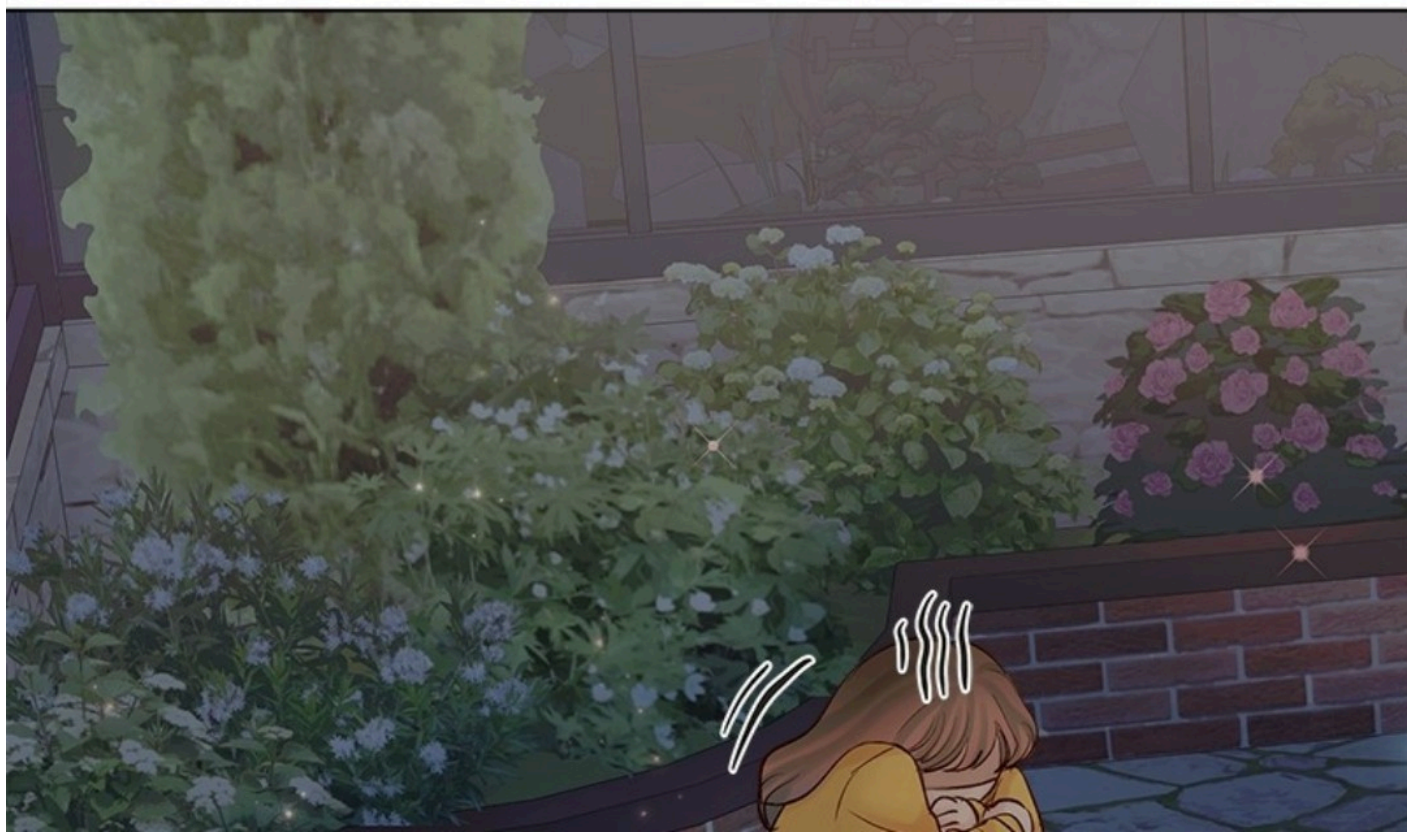
یون وو

اون اینقد زود پر گشت؟
هنوز حتی نیم ساعت هم
نشده؟

AHH!

یون وو. می دونم
اینجایی

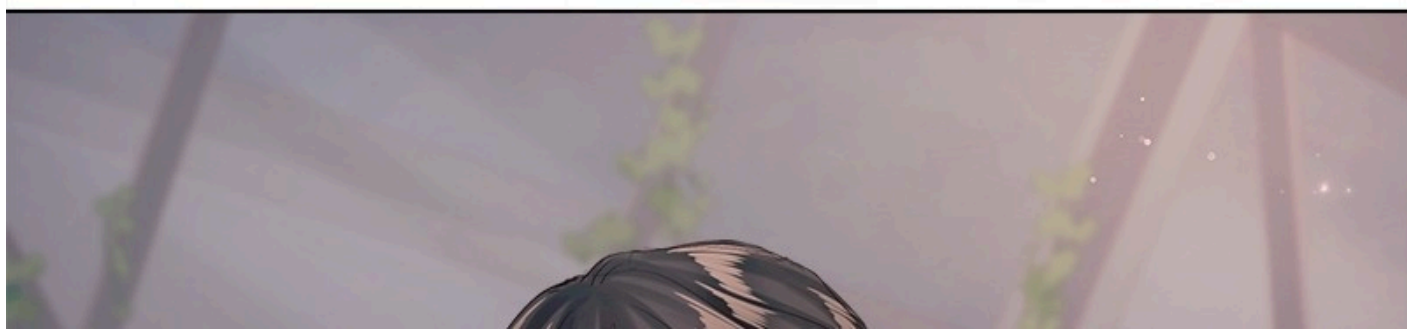






يا بيرون، زيا



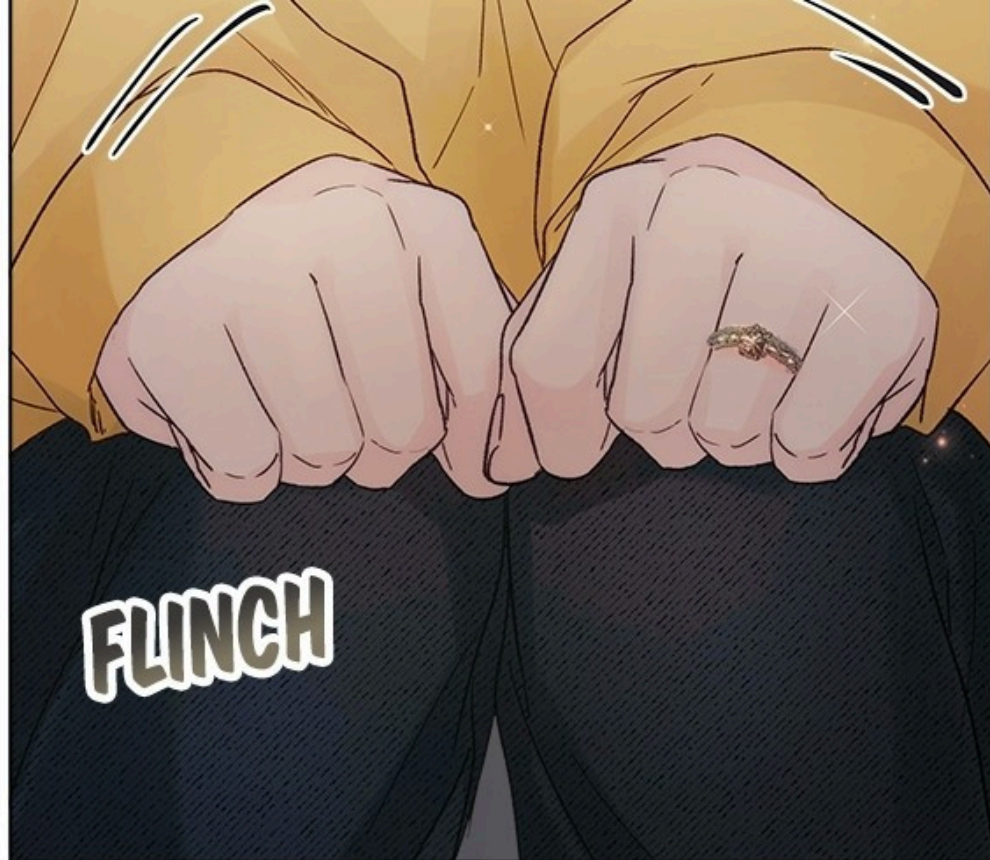


HA



اگه همین الان بیای بیرون،
از دستت عصبانی نمیشم.

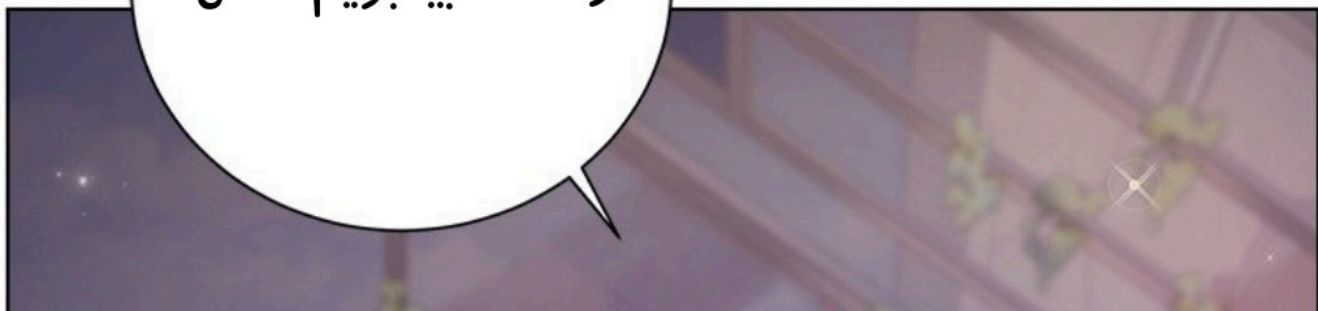






قول میدی عصبانی
نشی؟

اره، حالا بیا بریم داخل.









من قبلا هم بت گفتم، این
فقط مدلیه که من به نظر
می آم.

SIGH

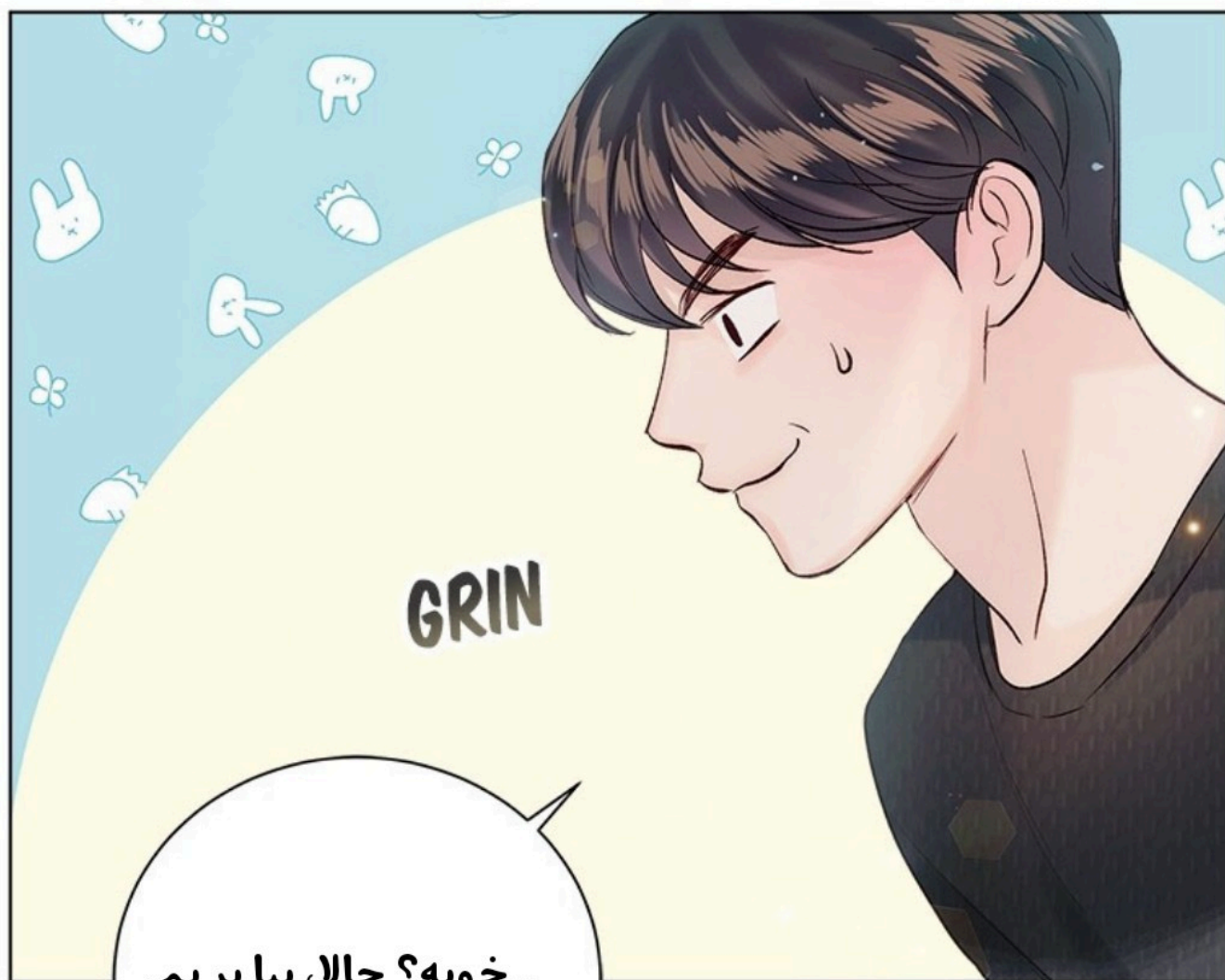




نه. من می دونم، تو کاملاً
توانایی اینو داری که به
قیافه قشنگ درست کنی.



حالا سعی کن خیلی
خوشگل بخندی.



...خوبه؟ حالا، بیا بریم.

سعی کن بگی "من از الان
به بعد به حرف همسر
گوش می دم"

HEHE

فکر می کنی الان داری
چکار می کنی؟

الایان

من همیشه بہت گوش
می دم.

STEP

!

کی تا حالا گوش ندادم؟

خیلی وقت ها.



حرفتو ادامه بده "من از
این به همسرم گوش
میدم"

...من از این به بعد به
حرف همسرم گوش
میدم.





عاليه. تو بايد به هر چي كه
من الان مي گم گوش
بدي. باشه؟





LIFT





گرفتمت

بیا این قایم موشک بازی
رو تمومش کنیم و بریم
خونه



منو بزار پایین.

BLUSH



من می تونم راه برم.

تو دوباره فرار میکنی.



نه، این کار نمی‌کنم.
بزرگتر اما رو می‌بینن

تو گفتی به همسرت
گوش میدی.

هوا سرد تر از اونه که
کسی بیاد بیرون.





از این گذشته، اونا که
نمی خوان وقتی ما رو
دیدن حال و هوامون رو
بهم بزنن

معاون رئیس کانگ لطفا
درست رفتار کن.

تو نمی تونی این کارا رو
تو خونه ای که بزرگترا و
پدرمادرت هستن انجام
بدی.





چطوری می تونم جلوی
همسرم رفتار کنم؟

من خونسر دیمو دیروز
وقتی از سر کار اومدم از
دست دادم.



باید اول دست و
صورتمون رو
بشوریم ؟





WHOOSH



چرا به دفعه ای داره
لباسش رو در می آره؟



ص- صبر کن. معاون
رئیس گانگ این فیلی
ناگهانیه



داری در مورد چی حرف
میزنی؟ پس تو نمی خواهی
قبل از خواب دست و
صورتت رو بشوری؟



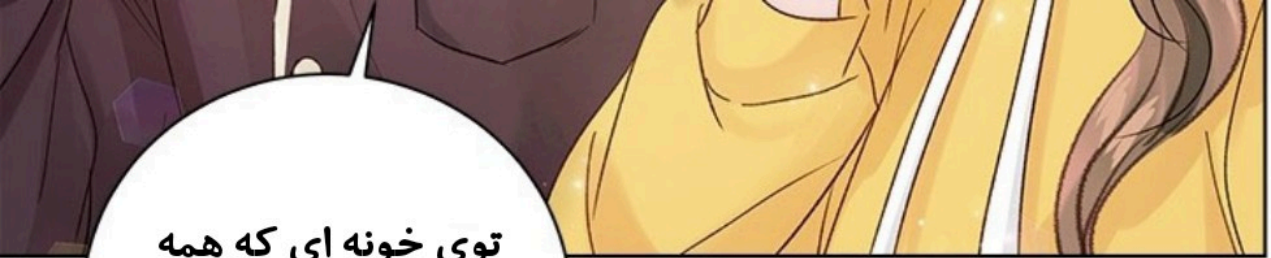
من فکر می کنم تو باید
بیشتر خواسته های دلت
رو به زبون بیاری.



... با

من حدس میزنم تو
منتظر یه چیز هایی
بودی.





توی خونه ای که همه
بزرگ ترها جمع
شدن.

من متوجه اشتیاق شدم،
اما مردم ممکنه که
درمورد ما بد حرف بزنن.

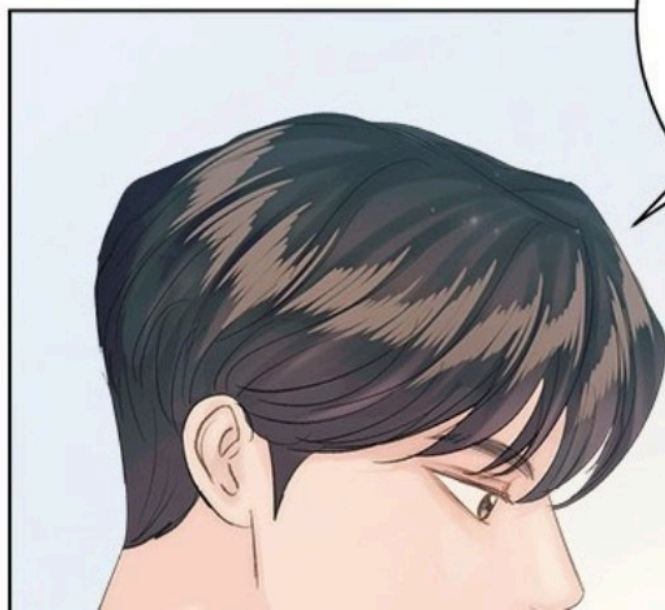
شایعه های زیادی در
مورد ازدواجمون میپیچه.





BUT...

تو می خواهی همینطوری
دست و صورتت رو
بشوری؟ لباسات خیس
میشن.







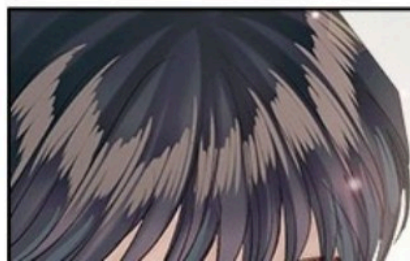
اوه، ممنون

وقتی بچه بودم بابام
همینطوری دست و روم
رو می شست



من یه اخلاقی داشتم که
نمی خواستم پیرهنم رو
برای شستن صورتم
دریبارم.

تو اونو "بابا" صدا
کردی؟



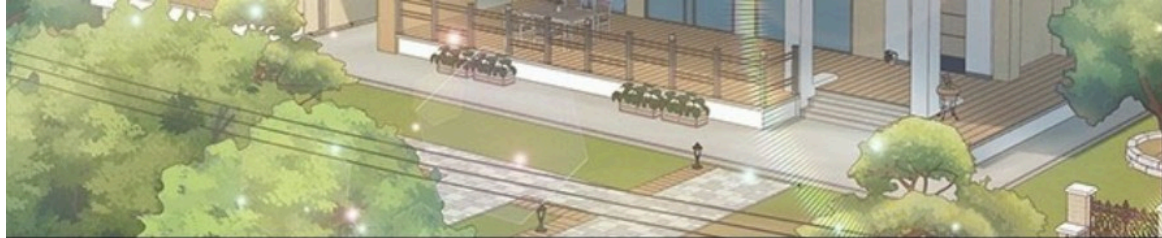






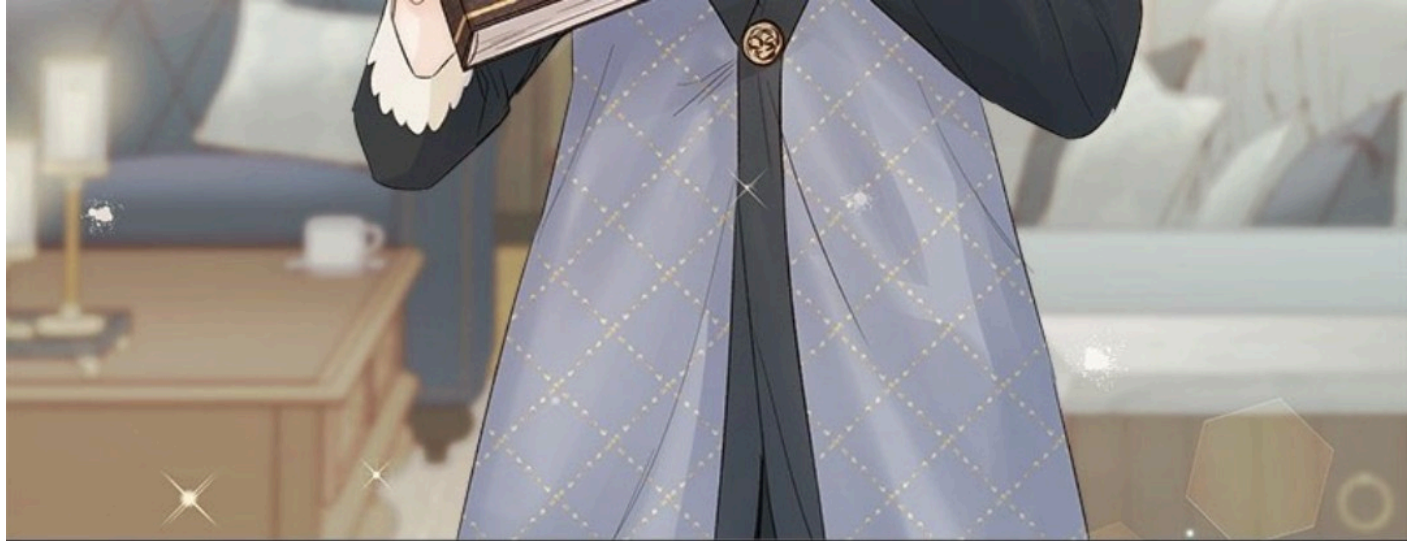
این منو کنجکاو میکنه که
سونبه زمان پچگی هاش
چه طوری بوده.





یون وو. تو منتظرش
بودی، مگه نه؟





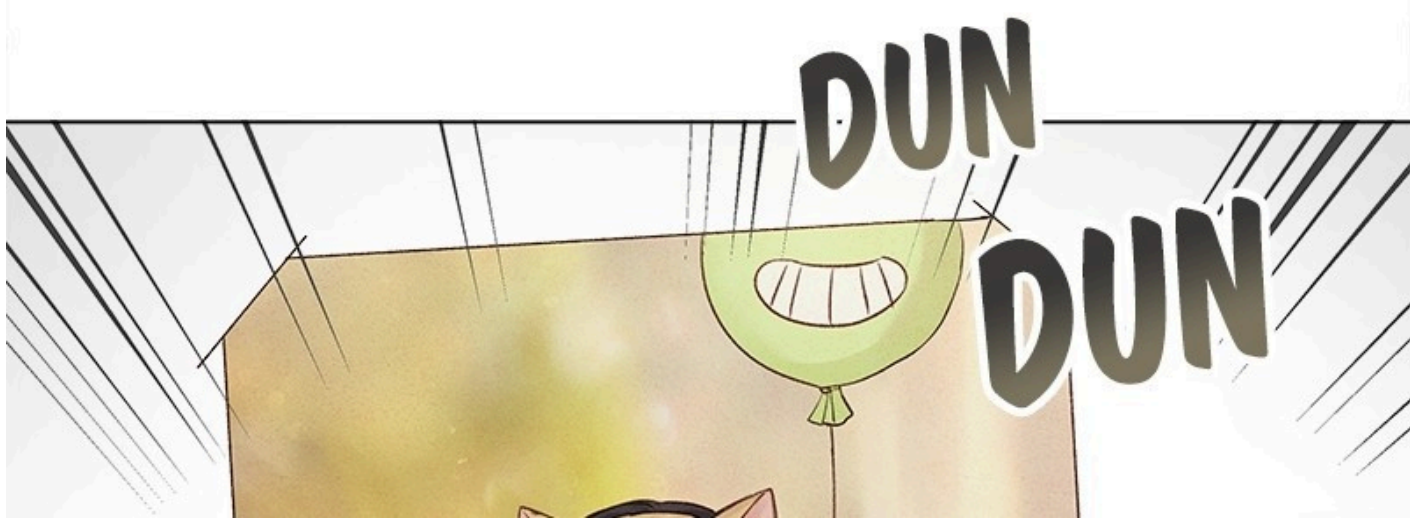
اینا عکس های بچگی
های سون جه است





ایول عکس‌های بچگی
سونیه!







اون هنوز درست همین
چهره رو داره



عکس ها فقط یه بخش
کوچیکش رو ضبط کردن.
اون هاله و رفته خیلی
سردی داشت.

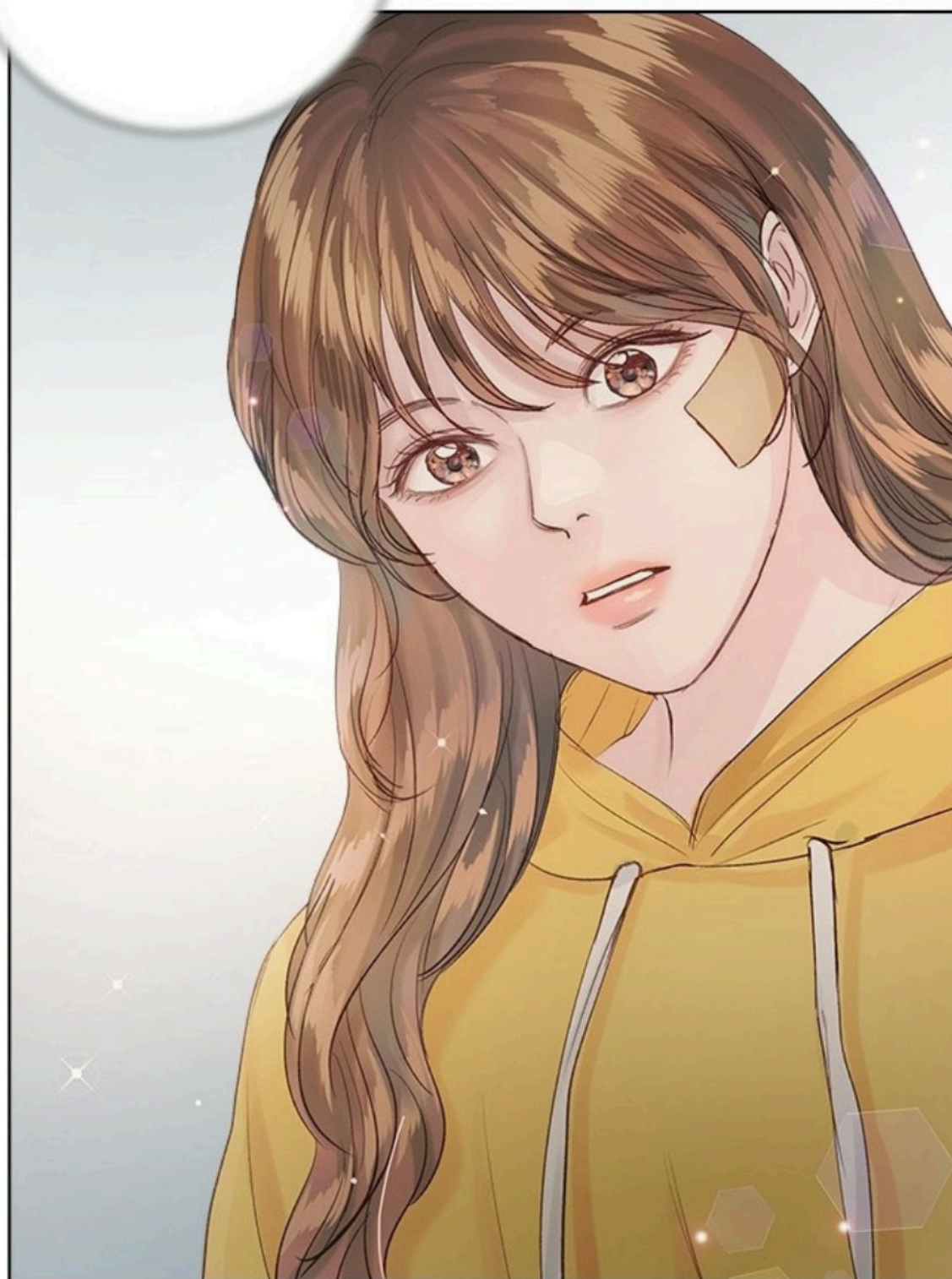
سون جه و پدرش هر
دوتاشون شکل همدیگه ان،
پس اون موقع ها خیلی
خوش نمیگذروندم.



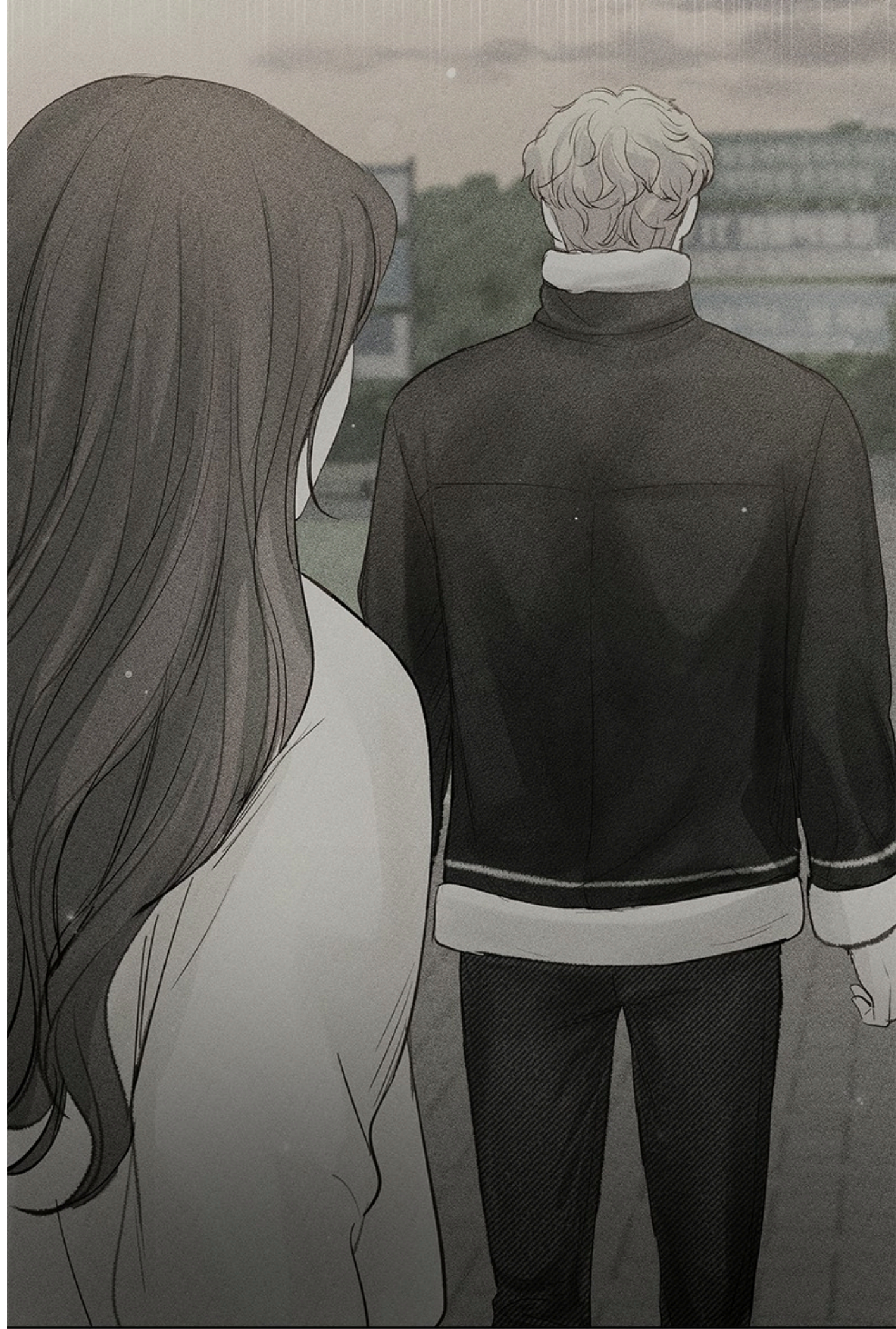
خانم کانگ این کیه...؟



این تنها عکسیه که
ازش داریم.



حداقل قبل از اینکه بوی
اسمت رو بهم بگو.







این دوست بچگی های
سون جه است





اون سا يول



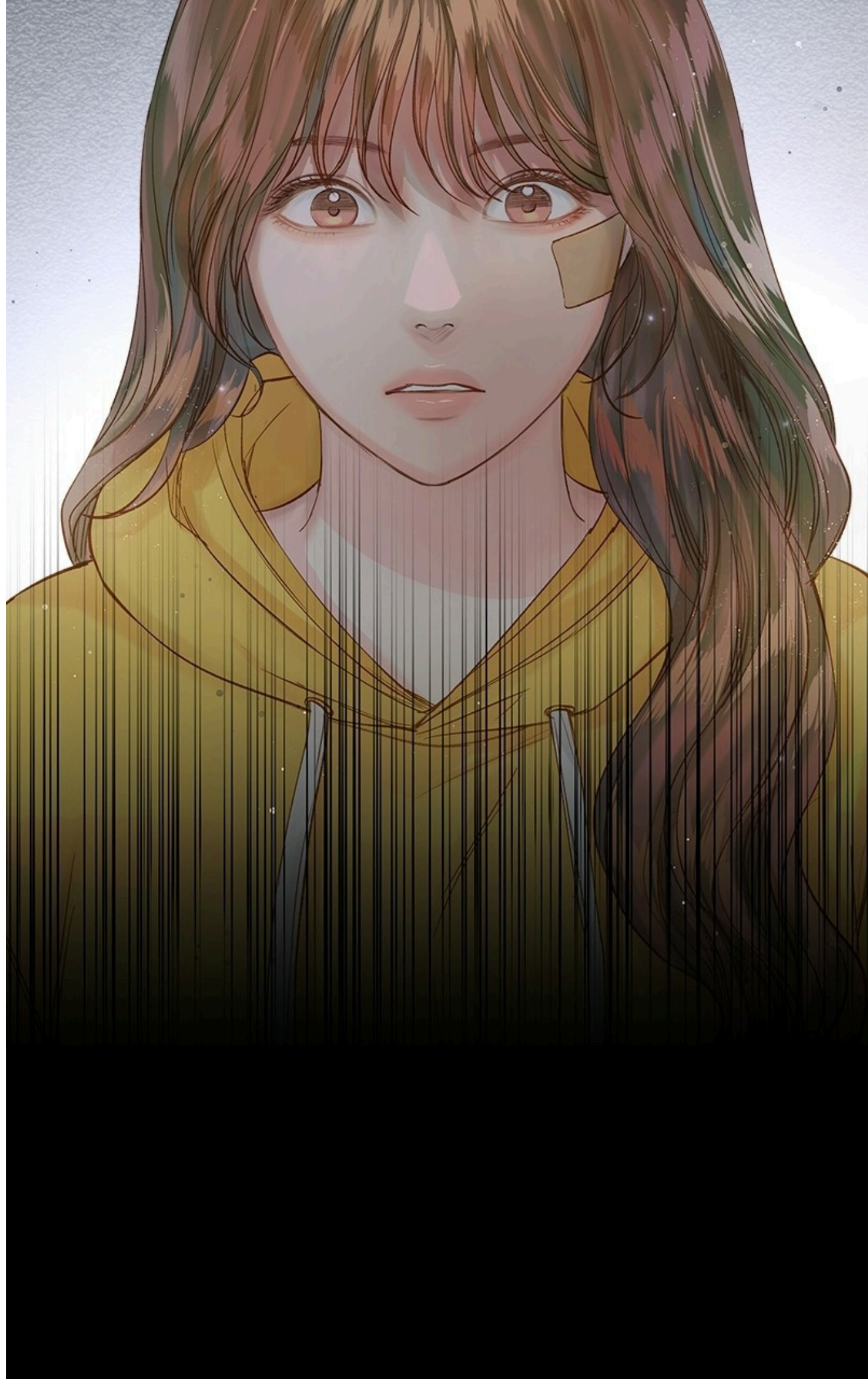
اون سا يول













جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره